

دکتر رابرت چیشولم، سرودهای خدمتگزار اشعیا جلسه ۳ : خدمتگزار رنج کشیده خداوند (الف) (اشعیا) (و ۵۲:۱۲-۵۳:۱۲ ۵۴:۶-۵۰:۴)

این دکتر رابرت چیشولم و آموزه‌های او در مورد سرودهای خدمتگزاری اشعیا است. این جلسه ۳، بنده رنج کشیده خداوند، بخش الف است. اشعیا ۵۰:۴-۶ و ۵۲:۱۲-۵۳:۱۲

خب، ما به دو سرود خدمتگزاری اول نگاه کردیم که در آنها بنده خداوند، که متمایز از اسرائیل گناهکار، تبعیدی است و یعقوب نیز نامیده می‌شود، قهرمان عدالت است.

او قرار است عدالت را بر زمین و ملت‌ها برقرار کند. او قرار است واسطه‌ی عهد و پیمان باشد. او واسطه‌ی عهد و پیمان بین خدا و ملت‌ها می‌شود، به نوعی حکم نوح را اصلاح می‌کند، و همچنین قرار است واسطه‌ی عهد و پیمان جدیدی بین خدا و قوم عهدش، اسرائیل، شود و آنها را نجات دهد.

و او واقعاً در آن نقش در دومین سرود خدمتکار، مانند یک موسی جدید به نظر می‌رسد. تاکنون، نشانه‌هایی از مخالفت، شاید حتی رنج، وجود داشته است. وظیفه خدمتکار آسان نخواهد بود و ممکن است افرادی باشند که با او مخالفت کنند و حتی او را رنج دهند.

و آن مضمون رنج که در دو سرود اول، به نوعی به صورت فرعی، معرفی شده است، اکنون قرار است در سرود سوم و سرود چهارم به محور اصلی تبدیل شود. سرود سوم در اشعیا، فصل ۵۰ آمده است. بنابراین از آیه ۴ شروع می‌شود و من فقط آن را می‌خوانم.

خداوند متعال به من این توانایی را داده است که سخنگوی او باشم. بنابراین به معنای واقعی کلمه، او زبان یک یادگیرنده را به من داده است. بنابراین او قرار است از خداوند بیاموزد و آن را به دیگران منتقل کند.

بنابراین او به من این ظرفیت را داده است که سخنگوی او باشم. و من فکر می‌کنم این همان بن‌مایه‌ی خادم به عنوان پیامبر است. ما گفتیم که خادم یک شخصیت سلطنتی است، اما او همچنین یک پیامبر است.

او قرار است از جانب خداوند سخن بگوید، تا من بدانم چگونه به خستگان کمک کنم. این شبیه سرود اول خدمتگزاران است، جایی که او می‌آید و به کسانی که شکسته و در آستانه مرگ هستند کمک می‌کند. او هر روز صبح مرا از خواب بیدار می‌کند.

او مرا هوشیار می‌کند، بنابراین می‌توانم مانند شاگردان با دقت گوش دهم. بنابراین او از خداوند می‌آموزد و سپس اراده خداوند را به نیازمندان و خسته‌گان ابلاغ می‌کند. خداوند متعال به روشنی با من سخن گفته است.

من سرکشی نکرده‌ام. من رو برگردانده‌ام. بنابراین، این بنده می‌گوید که خداوند او را برگزیده است و او در حال انجام مأموریت خود است.

خداوند به او وظیفه‌ای داده است که انجام دهد، و او به آن متعهد است. و سپس آیه ششم، فکر می‌کنم، این واضح‌ترین اشاره به رنجی است که تاکنون در آهنگ‌ها داشته‌ایم. من پشتم را به کسانی که حمله کردند، و فکم را به کسانی که ریشم را کردند، تقدیم کردم.

من صورتم را از توهین‌ها و تف کردن‌ها پنهان نکردم. و احتمالاً در این لحظه به این فکر می‌کنید که برای عیسی در آزمایش‌هایش قبل از مصلوب شدن چه اتفاقی افتاد، جایی که او این نوع تحقیر را تحمل کرد. اما خداوند متعال به من کمک می‌کند، بنابراین من تحقیر نمی‌شوم.

به همین دلیل، من قاطعانه مصمم هستم. می‌دانم که شرمنده نخواهم شد. این می‌تواند دعای عیسی باشد. زمانی که او آماده می‌شود تا وارد شور و اشتیاق خود شود.

آنکه از من دفاع می‌کند، همین نزدیکی است. چه کسی جرأت دارد با من بحث کند؟ بیایید با هم روبرو شویم. مدعی من کیست؟ بگذارید او مرا به چالش بکشد.

بنگرید، خداوند متعال به من کمک می‌کند. چه کسی جرأت می‌کند مرا محکوم کند؟ بنگرید، همه آنها مانند لباس مندرس خواهند شد. بید آنها را خواهد خورد، آنها را خواهد خورد.

به او به عنوان خدمتکار نکرده است. اما اگر به آیات ۱۰ و ۱۱ بروید، و برخی این آیات را به عنوان بخشی از سرود بگنجانند، کدام یک از شما از خداوند می‌ترسد؟ چه کسی از خدمتکار او اطاعت می‌کند؟ به نظر می‌رسد اینها سوالاتی هستند که به آنچه خدمتکار گفته است اشاره دارند.

چه کسی از بنده‌اش اطاعت می‌کند؟ هر که در تاریکی عمیق و بدون نور راه می‌رود، باید به نام خداوند توکل کند و به خدای خود تکیه کند. تقریباً مثل این است که هر کسی که اینجا صحبت می‌کند، می‌گوید، باید به بنده‌ای که همین الان صحبت کرد گوش دهید. ببینید، همه شما که آتش روشن می‌کنید و خود را به تیرهای آتشین مجهز می‌کنید، در نور آتشی که روشن کرده‌اید و در میان تیرهای آتشی که برافروخته‌اید، گام بردارید، این چیزی است که از من دریافت خواهید کرد.

در جایی از درد دراز خواهی کشید. بنابراین اگر آیات ۱۰ و ۱۱ را که ظاهراً نشان می‌دهند قرار است از الگو و سرمشق کلام بنده‌ای که خداوند به او دستور می‌دهد پیروی کنید، در نظر بگیرید، این همان کاری است که باید انجام دهید. اگر این کار را نکنید، همانطور که بنده گفت، خداوند او را تیرئه خواهد کرد و کسانی که سرکشی می‌کنند و به نام خداوند اعتماد ندارند، داوری او را تجربه خواهند کرد.

بنابراین این به اصطلاح سومین سرودهای خدمتگزاران است و ما قطعاً در این مرحله به کل ایده رنج کشیدن می‌پردازیم. و بنابراین فکر می‌کنم می‌توانید از آن به عنوان یک سرود خدمتگزار دفاع کنید به دلیل آنچه در آیه ۱۰ گفته شده است. اگر فقط می‌خواهید سرود را با جایی که خود خدمتگزار صحبت می‌کند، ۴ تا ۹ آنچه در آیه ۱۰ گفته شده است، ترکیب کنید، چه کسی از شما از خداوند می‌ترسد؟ چه کسی از بنده‌اش اطاعت می‌کند؟ به نظر می‌رسد ایده این است که اگر واقعاً از خداوند می‌ترسید، آنچه را که بنده‌اش می‌گوید انجام خواهید داد، زیرا او به بنده‌اش دستور می‌دهد.

اما ما برخی از همان چیزهایی را که قبلاً دیده‌ایم، داریم. او سخنگوی خداوند است. این در ابتدای آهنگ دوم در ۴۹.۲ گفته شد. او حاضر است رنج بکشد، آیه ۶ این آهنگ، و قطعاً آن را در آهنگ بعدی خواهیم دید.

پایداری او در مواجهه با مخالفت، که در سرود اول در آیه ۴:۴ ذکر شد. و اطمینان او به اینکه خداوند او را تیرئه خواهد کرد، و این در سرود دوم بیان شده است، و همانطور که در سرود چهارم خواهیم دید بنابراین این یک پل مهم از آنچه دیده‌ایم، مأموریت بنده، و نحوه انجام آن توسط او است. و در سرود اول و دوم، ما به آینده بسیار دور نگاه می‌کنیم، جایی که همه ملت‌ها به سوی خداوند بازگردانده می‌شوند، و اسرائیل، یعقوب، گناهکار، به سوی خداوند بازگردانده می‌شود.

او قرار است واسطه‌ی عهده‌ی با ملت‌ها و قوم خدا شود. اما قبل از اینکه این اتفاق بیفتد، همانطور که قبلاً در آن سرودها اشاره شده است، مخالفت‌هایی وجود خواهد داشت. و بنابراین این پلی به سرود چهارم است، جایی که اکنون می‌پرسید، وای، چرا این بنده اینگونه صحبت می‌کند؟ درباره این مخالفت و این تحقیقی که با آن روبرو است، بیشتر برایم بگویید.

اما او مطمئن است که خداوند او را تبرئه خواهد کرد، و این چیزی است که ما در چهارمین سرود خدمتگزار خواهیم دید. خداوند در واقع قرار است بنده خود را تبرئه کند، اما بنده رنج خواهد کشید، و این خداوند خواهد بود که این را به راه خود می‌آورد. پس بیایید به چهارمین سرود خدمتگزار بپردازیم، و معمولاً فقط به عنوان اشعیا ۵۳ از آن یاد می‌شود، اما در واقع، این سرود از فصل ۵۲ آغاز می‌شود.

بنابراین این نمونه دیگری از جایی است که تقسیم‌بندی باب‌ها ایده‌آل نیست. و ظاهراً کسی فکر می‌کرد که این آیات با آنچه در ادامه می‌آید، همخوانی ندارند، اما واضح است که دارند، زیرا اگر باب ۵۲، آیات ۱۳ تا ۱۵، را به عنوان سخن خداوند در نظر بگیریم، خداوند اساساً در اینجا می‌گوید، بنده من موفق خواهد شد ۱۵، او ارتقا خواهد یافت، او رنج زیادی کشید. او آنقدر رنج کشید که دیگر حتی شبیه انسان هم نبود.

با این وجود، ملت‌هایی که او را رد کردند، پادشاهانی که او را رد کردند، شوکه خواهند شد، زیرا من او را تبرئه خواهم کرد، و او به عنوان پادشاه آنها، ظاهراً بالاتر از آنها، قرار خواهد گرفت. اگر سرود را با آنچه در ادامه می‌آید در نظر بگیرید، اینگونه شروع می‌شود، اما اگر تا انتهای اشعیا ۵۳ بروید، همان چیز است. بنده رنج کشیده است، اما من به او پادشاه می‌دهم و او را تبرئه می‌کنم، و به او سهمی از جمعیت خواهم داد، زیرا او با میل خود تسلیم مرگ شد.

من قصد دارم او را ارتقا دهم. بنابراین به نظر می‌رسد که این همان آهنگ است. ما به این آهنگ، آهنگ شامل «می‌گوییم، که در آن خدا صحبت می‌کند، و مضمون در ابتدا یکسان است، رنج اما تعالی بنده، تبرئه» بنده، و سپس دوباره با صحبت خدا در انتهای آهنگ ظاهر می‌شود.

و بنابراین فکر می‌کنم به همین دلیل است که اکثر مردم امروز سه آیه آخر فصل ۵۲ را به عنوان مقدمه آهنگ، مطابق با نتیجه‌گیری آهنگ، در نظر می‌گیرند. مضمون دفاع خدمتکار، متن را در پرانتز قرار می‌دهد. و همانطور که گفتم، منتقدان ادبی آن را یک «شمول» می‌نامند. می‌توانیم آن را یک «قاب» بنامیم.

خب، بیایید وارد جزئیات آهنگ شویم، و من فقط در حین صحبت در موردش توضیح خواهم داد. و خب، به معنی نگاه کردن شروع می‌شود. این یک وسیله برای جلب توجه است hine با کلمه عبری.

ببین. و این خداوند است که صحبت می‌کند، زیرا او به بنده من اشاره می‌کند. بنابراین، ببین، بنده من موفق خواهد شد، این ترجمه من است.

در واقع، در زیان عبری، به معنای خردمند بودن است. بنده من خردمندی را نشان خواهد داد. خب، در تفکر خردمندانه کتاب مقدس، اگر خردمند باشید، در حالت ایده‌آل به موفقیت خواهید رسید.

و اغلب اینطور است. خرد موفقیت می‌آورد، حماقت خودویرانگری، و انواع چیزهای منفی. بنابراین چیزی که اینجا داریم، مجاز است.

خردمند بودن، علت، نتیجه و معلول موفقیت است. من فکر می‌کنم در این زمینه، این معلول است که مد نظر است. و بنابراین، ببینید، بنده‌ی من، شاید بتوانید آن را به طور خلاصه بیان کنید، خردمندی را نشان می‌دهد و بنابراین موفق می‌شود.

اما به عنوان یک مترجم، من نمی‌خواهم چنین فردی باشم، بنابراین ایده موفق را انتخاب می‌کنم، زیرا، به سطر بعدی نگاه کنید، او ارتقا یافته، بالا برده شده و بسیار والا خواهد شد. این به نظر می‌رسد که نتیجه اعمال اوست، چیزی که خداوند قرار است برای او انجام دهد به دلیل کاری که او مایل بود به عنوان بخشی از مأموریتش از جانب خداوند انجام دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که آیه ۱۳ ب، نیمه دوم آیه ۱۳، این است که صحبت کردن، می‌دانید، یعنی باز کردن اینکه موفقیت برای او چگونه به نظر می‌رسد.

و ببینید که این چقدر تأکید دارد. در زبان عبری، ما سه فعل مختلف داریم که می‌توانیم آنها را مترادف بنامیم. ما داریم، و من آنها را ترجمه کرده‌ام. او متعالی خواهد شد، او به اوج خواهد رسید، و او متعالی خواهد شد.

تقریباً همه آنها یک چیز را سه بار می‌گویند. اگر خودتان را تکرار کنید، این تأکیدی است. اما وقتی کاری را سه بار انجام می‌دهید، این بسیار تأکیدی است.

را هم اضافه می‌کند. در واقع این خداوند me'od و سپس، برای حسن ختام، نویسنده‌ی عبری کلمه‌ی است که صحبت می‌کند. این خیلی معنی دارد.

بنابراین او متعالی، بالا برده، سرافراز و بسیار والا خواهد شد. نمی‌دانم آیا می‌توانید چیزی تأکیدی‌تر از آنچه او اینجا می‌گوید، بگویید یا نه. هر چه که می‌خواهید توجیه و تعالی بنامید، تقریباً سه کلمه مختلف وجود دارد که می‌توانیم در زبان عبری از آنها استفاده کنیم.

من خودم را به یکی محدود نمی‌کنم. از همه آنها استفاده خواهم کرد، و [در آن [خودم را] به کار خواهم گرفت. [او بسیار والا، سرافراز و متعالی خواهد شد.

او موفق خواهد شد. و سپس، در ابتدای آیه ۱۴، می‌گوید، همانطور که بسیاری از دیدن تو وحشت کردند. و از یک فرم استفاده می‌کند، همانطور که باید با امضا تکمیل شود.

دو بار استفاده شده است. خب، kain، این در زبان عبری کمی پیچیده است، زیرا کلمه‌ای که ترجمه شده است؟ فکر می‌کنم دومی است. بنابراین از چیزی که من آن را مطالب داخل پرانتز می‌نامم، صرف kain کدام . نظر کنید .

همانطور که بسیاری از دیدن تو وحشت زده شدند، آنها وحشت زده شدند. و بنابراین طبیعتاً این سوال را مطرح می‌کند که چرا؟ چرا؟ او قرار است به این سوال پاسخ دهد. اما سپس، در آیه ۱۵، او این فکر را کامل می‌کند.

بنابراین، حالا، بسته به اینکه چطور آن را ترجمه کنید، او یا آب می‌پاشد یا وحشت زده می‌شود. خیلی‌ها وحشت زده شدند، اما خیلی‌ها هم به معنای مثبت تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. بنابراین یک تطابق وجود دارد.

همانطور که اوضاع برای او خیلی خیلی بد بود، اوضاع برایش خیلی خیلی خوب خواهد شد و همه شوکه خواهند شد. اما قبل از اینکه این کار را تمام کند، باید دست از این کار بردارد.

او باید بایستد و بگوید، همانطور که خیلی‌ها از دیدن تو وحشت کردند. او باید این موضوع را باز کند. و واقعاً قرار است در فصل ۵۳ آن را باز کند.

اما او اینجا این کار را می‌کند. او کمی به ما نشان می‌دهد که چرا و چگونه مردم از دیدن او وحشت‌زده شدند. او آنقدر تغییر شکل داده بود که دیگر شبیه یک مرد نبود، این ترجمه من از متن عبری است.

ظاهرش آنقدر خراب شده بود که دیگر شبیه انسان نبود. و فکر نمی‌کنم این توصیف، نگاه او به تولدها باشد. این به شور و اشتیاق خدمتکار اشاره دارد.

و به لطف مل گیبسون و فیلمش، مصائب مسیح، و یادم می‌آید وقتی آن فیلم را دیدم، در واقع چند نفر از ما از کلیسا، کشیش‌هایمان و برخی از اساتید حوزه علمیه‌مان، رفتیم، چون قرار بود برگردیم و اساتید حوزه علمیه از همه کسانی که به فیلم رفته بودند، بازجویی کنند. ما همه را دعوت کردیم. بنابراین چند نفر برگشتند و من یکی از اساتیدی بودم که کمی در مورد آن صحبت کردم.

اما یادم می‌آید وقتی درباره خون عیسی و رنج مسیح و مصائب مسیح خواندم، با خودم فکر کردم که بعد از این فیلم دیگر هیچ چیز مثل قبل نخواهد بود، چون گیبسون دریغ نکرد. واقعاً دریغ نکرد. و جیم کاویزل را به یاد داشته باشید، که برادر مسیح بود، اتفاقاً جیم کاویزل، و برای این فیلم یاد گرفت که به زبان آرامی صحبت کند.

حتی جیم کاویزل را هم نمی‌شد شناخت. می‌دانید، آنها واقعاً گریم را خوب انجام دادند. منظورم این است که این چیزی است که به این کار آموزش می‌دهند.

الان که اون فیلم رو دیدم و در مورد کارهایی که رومی‌ها انجام دادن و همه این‌ها خوندم، به این فکر می‌کنم. منظورم اینه که این عیسی هست. شلاق‌هایی که خورد، به نظرم خیلی واقع‌گرایانه بود، و خب می‌دونید، گاهی اوقات مردم از اون ضربه‌ها می‌مردن.

پس اگر فیلم مصائب مسیح را دیده‌اید، به آن فکر کنید. این همان چیزی است که اینجا مد نظر است. این رنجی است که این بنده متحمل می‌شود.

ضمناً، این متن فوق‌العاده‌ای است. وقتی در مدرسه علمیه به دانشجویانم کتاب اشعیا را تدریس می‌کنم، پروژه ترم این است که یک مقاله تفسیری در مورد سرود چهارم بندگی بنویسند، که در آن به زبان عبری و تمام جزئیات آن می‌پردازند، و می‌تواند بسیار آکادمیک باشد، زیرا زبان عبری در این متن چالش‌هایی را ارائه می‌دهد. این یک شعر نبوی است.

مثل خواندن سفر پیدایش نیست. خیلی سخت‌تر است، و یکی از دانش‌آموزانم برگه‌اش را تحویل داد، و می‌گوید، این برای من مثل یک تمرین مذهبی بود. می‌گوید، وقتی این برگه را تمام کردم، اشک در چشمانم جمع شده بود.

پس این عیسی است. این خداوند ماست که اینجا توصیف می‌شود. خیلی‌ها از دیدن او وحشت کردند، چون او چنان رنجی را تحمل کرد که دیگر حتی شبیه انسان هم نبود، از ریخت افتاده، آسیب دیده، و اساساً مثل یک خمیر شده بود.

و می‌تواند شامل صلیب نیز باشد، اما من بیشتر به مقدمات صلیب فکر می‌کنم، به عبارت دیگر. و سپس آیه می‌گوید، پس اکنون او این کار را خواهد کرد، و ترجمه‌ها در اینجا متفاوت خواهند بود. ترجمه سنتی این ۱۵ است که او بر بسیاری از ملت‌ها خواهد پاشید.

و این کلمه اغلب در این شکل فعل استفاده می‌شود، بنابراین فکر نمی‌کنید مشکلی وجود داشته باشد. اما از طرف دیگر، وقتی از این اصطلاح استفاده می‌شود، وقتی کسی را می‌پاشید، معمولاً قبل از مفعول پاشیده شده یک حرف اضافه وجود دارد و آن حرف اضافه اینجا نیست. و به همین دلیل است که برخی می‌گویند من خیلی مطمئن نیستم که این ترجمه سنتی باشد.

اگر اینطور باشد، تقریباً به نظر می‌رسد که خدمتکار در آن حضور دارد، این شعر است. شاید حروف اضافه بتوانند حذف شوند. می‌دانید، در شعر حذف‌های زیادی وجود دارد، که در آنها گاهی اوقات کلماتی که تلویحاً بیان شده‌اند، حذف می‌شوند.

و بنابراین اگر منظور پاشیدن آب است، به نظر من این است که خادم اکنون در نقش کاهن است، اینطور نیست؟ می‌دانید، او پادشاه بوده است، قطعاً در این سرودهای خدمتگزاران یک پیامبر است، و شاید یک بُعد کاهنی در اینجا معرفی می‌شود، زیرا قرار است بعداً در فصل ۵۳ آهنگ از زبان کاهنان استفاده شود. بنابراین اگر می‌خواهید به آن سمت بروید، اشکالی ندارد. بسیاری از او وحشت داشتند، اما در واقع، او قرار است آب بپاشد، قرار است بسیاری از ملت‌ها را تطهیر کند.

می‌دانید، در آیین‌های عهد عتیق، آنها زوفا می‌گرفتند، و خون یا آب می‌گرفتند، و کاهن یا شخص دیگری را روی آن می‌پاشیدند، یک عمل آیینی. و بنابراین به نظر می‌رسد که تطهیر آیینی در اینجا به نوعی پیشنهاد شده است. و بنابراین از طریق رنج و کارش، او در واقع ملت‌ها را با خدا آشتی خواهد داد.

و بنابراین شاید استعاره پاشیدن آب جواب بدهد، اما همه از آن راضی نیستند. آنها بر اساس نحو و از این قبیل چیزها اعتراض می‌کنند، و بنابراین ترجیح می‌دهند کلمه‌ای را بخوانند که از جا ببرد. ترجمه هفتادگانی هم تا حدودی از این موضوع پشتیبانی می‌کند، و بنابراین آنها با دیدن او شوکه شدند، و دوباره به شکلی متفاوت شوکه خواهند شد.

و بنابراین آنها ایده‌ی «جادو کردن» را پیشنهاد می‌دهند، و می‌گویند، خب، شاید این یک هم‌آوایی باشد، یک به برخی از پشتیبانی‌های عربی اشاره کرده است، اما BDB هم‌آوایی نادر. فکر می‌کنم فرهنگ لغت قدیمی بسیاری از ملت‌ها را شگفت‌زده کرده است. این احتمالاً در متن بهتر جواب می‌دهد، اما با وجود مشکلاتی که دارد، شبیه کلمه‌ی «پاشیدن» به نظر می‌رسد.

بنابراین فقط می‌خواهم شما را از این واقعیت آگاه کنم که ما در اینجا چند گزینه داریم. بنابراین او اکنون بسیاری از ملت‌ها را با آبپاش خود با خدا آشتی خواهد داد، یا آنها را وحشت‌زده خواهد کرد. متن می‌گوید پادشاهان از جلال او شوکه خواهند شد.

به معنای واقعی کلمه، متن می‌گوید پادشاهان دهان خود را خواهند بست. آنها لال خواهند شد. من به نوعی این را تعبیر می‌کنم، از تجلیل او شوکه خواهم شد.

عبرانیان عادل هستند؛ آنها دهان خود را خواهند بست، ساکت خواهند شد. چهارم، آنها شاهد چیزی خواهند بود که برایشان اعلام نشده بود، و چیزی را خواهند فهمید که در مورد آن نشنیده بودند. شاید آنها شاهد چیزی باشند که به آنها اعلام نشده بود.

آنها چیزی را فهمیده بودند که قبلاً در موردش نشنیده بودند. آنها به سادگی آن بنده را کسی می‌دیدند که رنج می‌برد، و واقعاً انتظار نداشتند که او به چنین مقام والایی ارتقا یابد، زیرا خداوند اعلام کرده بود، بنده من موفق خواهد شد. او بسیار ارتقا خواهد یافت.

بله، می‌دانم که او تغییر چهره داده و آسیب دیده بود، اما او ملت‌ها را شوکه خواهد کرد، زیرا در برابر آنها سرافراز خواهد شد. و حتی می‌توانید آن کلمات مربوط به سرافرازی را در آیه ۱۳ ببینید، که به پادشاهی اشاره دارد که بالاتر از آنها سرافراز شده است. و پادشاهان عادل نیستند، آنها فقط قادر به درک آن نخواهند بود.

این برای آنها شوک آور خواهد بود. او؟ او قرار است پادشاه همه باشد؟ به پونتئوس پیلطس فکر کنید. به پونتئوس پیلطس در روزی که با عیسی ملاقات کرد یا به هیرودیس در روزی که آنها با عیسی ملاقات کردند فکر کنید.

اما انواع پادشاهان و حاکمان و افرادی که در طول تاریخ عیسی را رد کرده‌اند و پیروانش را آزار و اذیت کرده‌اند. وقتی در مقابل او بایستند و هر زانویی خم شود و متوجه شوند که این کسی که ما رد کرده‌ایم یا از او صرف نظر کرده‌ایم، بر همه چیز پادشاه است، شوک بزرگی خواهد بود. بنابراین، این سه آیه اول هستند و اکنون، در فصل ۵۳، آیه ۱، بازیگران جدیدی در این درام داریم.

چه کسی، به تعبیر من، باور می‌کرد؟ چه کسی به آنچه ما شنیدیم ایمان می‌آورد؟ قدرت خداوند چه زمانی از طریق او آشکار شد؟ و در آیات بعدی، ما گروهی خواهیم داشت که صحبت می‌کنند و اساساً چیزی که آنها خواهند گفت این است که ما انتظار چنین چیزی را نداشتیم. آنچه ما شنیدیم اعلام تعالی پادشاه در فصل ۱۳ تا ۱۵ است که پادشاهان ملت‌ها را بی‌کلام گذاشت و ملت‌ها را شوکه کرد. و حالا این گروه ۵۲، هر کسی که هستند، می‌گویند، چه کسی این اعلامی را که ما شنیدیم باور می‌کرد؟ قدرت خداوند چه زمانی از طریق او آشکار شد؟ و من سعی می‌کنم دلیلی بیاورم که اینها در درجه اول قوم عهد خدا هستند.

این اسرائیل است. این پیامبر است که برای مردم صحبت می‌کند، همانطور که در اشعیا ۶ این کار را انجام می‌دهد. و بنابراین آنها شوک خود را ابراز می‌کنند. حال، این در عهد جدید نقل شده است.

چه کسی گزارش ما را باور کرده است؟ پولس آن را در مورد موقعیت خود و اعلام پیام به کار می‌برد، و فکر می‌کنم اگر کمی در مورد آن تأمل کنید، می‌توانید این را ببینید. این استفاده‌ی درستی از این متن است، اما فکر می‌کنم گاهی اوقات به معنای یک مبشر ناامید فهمیده می‌شود. چه کسی به ما گوش داده است؟ چه کسی گزارش ما را باور کرده است؟ من مطمئن نیستم که در اینجا و در این زمینه چنین باشد.

چه کسی می‌توانست آنچه را که ما همین الان شنیدیم، گزارش ما را باور کند؟ این می‌تواند گزارشی باشد که شما می‌دهید، اما می‌تواند گزارشی باشد که شما شنیده‌اید. و اگر سه بیت اول را به عنوان مقدمه آهنگ به درستی درک کنید، فکر می‌کنم این همان چیزی است که آنها به آن اشاره می‌کنند. چه کسی می‌توانست گزارشی را که ما شنیدیم و همین الان به ما رسید، باور کند؟ ما انتظار این را نداشتیم.

ما انتظار ترفیع خادم را نداشتیم. و اتفاقاً، من خطبه‌ای را ایراد کردم که آن را اشعیا ۵۳ از سرود چهارم خادم می‌نامم، داستانی از فقر به ثروت، چون بله، آن خادم رنج زیادی کشید، انگار فقیر بود، و وای، او به این مقام والا رسیده است. این یکی از آن داستان‌های فقر به ثروت است.

بنابراین آنها می‌گویند، قدرت خداوند چه زمانی از طریق او آشکار شد؟ و به معنای واقعی کلمه، چه زمانی بازوی خداوند آشکار شد؟ پس بازوی خداوند. این به چه معناست؟ خب، من آن را به عنوان قدرت خداوند

تفسیر کردم، زیرا اگر استفاده از بازوی خداوند را در جای دیگری از اشعیا مطالعه کنید، به قدرت و نیروی خداوند اشاره دارد و اغلب به قدرت خداوند به عنوان یک جنگجو اشاره دارد. می‌دانید، در این زمینه فرهنگی، در نبردها، نبرد تن به تن زیادی وجود داشت، و بنابراین جنگجو باید بازوی قوی می‌داشت تا آن شمشیر را به کار ببرد، آن کمان را عقب بکشد، و بنابراین جنگجویان باید قوی می‌بودند.

آنها به بازوی قوی نیاز داشتند. و بنابراین در جای دیگری از کتاب اشعیا، وقتی از بازوی خداوند استفاده می‌شود، به قدرت نظامی خداوند اشاره دارد. و بنابراین آنها می‌گویند، خب، ما قدرت خدا را در او ندیدیم.

حال، قدرت خدا در عیسی مسیح، از طریق خدمت شفا بخشی او و همه این‌ها، در کار بود، اما در نهایت او مصلوب شد، و بنابراین آنها قدرت نظامی خداوند را که در او در کار بود، ندیدند، زیرا او در آن نقش برای شکست دادن ملت‌ها نیامده بود. او بار اول مانند بار دوم نیامد. این اتفاق نیفتاد.

و بنابراین آنها هیچ نشانه‌ای از خداوند در عمل ندیدند. چیزی که آنها دیدند این است. آنها آن را در آیه ۲ توصیف می‌کنند. او مانند شاخه‌ای در برابر خدا، مانند ریشه‌ای از خاک خشک، جوانه زد.

او هیچ هیبت و جلالی نداشت که توجه ما را جلب کند، هیچ ظاهر خاصی نداشت که بخواهیم از او پیروی کنیم. حال، عیسی برای مردم جذاب بود. پیام او با بسیاری از مردم طنین انداز شد.

فکر می‌کنم خیلی وقت‌ها آنها صرفاً به این دلیل از او پیروی می‌کردند که می‌خواستند شفا پیدا کنند. خیلی از مردم از او پیروی می‌کردند چون فکر می‌کردند او قرار است مسیح نظامی باشد که آنها را از روم نجات می‌دهد و پیروزی بزرگی بر دشمنانشان به آنها می‌دهد. اما کم کم، پیروانش او را ترک کردند، تا جایی که روزی همه آنها آنجا را ترک کردند و عیسی گفت: «آیا شما هم می‌خواهید بروید؟» و پطرس گفت: «به کجا؟» «رویم؟ شما کلمات حیات را دارید».

بنابراین فکر می‌کنم این موضوع را منعکس می‌کند. به طور کلی، وقتی همه چیز گفته شد و انجام شد، در مورد این عیسی که آمد و رفت و اخیراً اینجا مصلوب شد چطور؟ یک فرد عادی می‌گوید، آه، کمی به او علاقه وجود داشت، اما در نهایت، او مانند شاخه‌ای در برابر خدا، مانند ریشه‌ای از خاک خشک، جوانه زد. واقعاً هیچ چیز در نهایت وجود نداشت که باعث شود ما از او پیروی کنیم.

بنابراین آنها آمدن آن را ندیدند. آنها آمدن تعالی بنده را ندیدند. این چیزی است که آنها دیدند.

نه کسی که آنقدرها هم ابهت داشته باشد. او مورد تحقیر و طرد مردم بود، کسی که درد را تجربه کرده و با بیماری آشنا بود. مردم روی خود را از او می‌پوشاندند.

او مورد تنفر بود و ما او را بی‌اهمیت می‌دانستیم. بنابراین، اینجا یک استعاره وجود دارد. منظورم این است که قطعاً واقعیت وجود دارد، درد تجربه شده، اما این موضوع بیماری، فکر نمی‌کنم این موتیف چیزی باشد. که ما در مورد عیسی می‌بینیم، اینکه او مردی بیمار بود، همیشه بیمار.

اما آنها از این تصویرسازی برای توصیف او استفاده می‌کنند. او مانند فردی بیمار بود، حتی تا جایی که بیماری جدی داشت. برخی حتی گفته‌اند که جذام در اینجا ریشه دارد.

برنارد دوم، خدمتکار، جذامی بود. او کسی بود که بیمار بود و مردم نمی‌خواستند به او نگاه کنند. او مورد تحقیر قرار می‌گرفت، بی‌اهمیت تلقی می‌شد، اما استعاره‌ای از بیماری بود.

می‌دانید، گاهی اوقات افراد بیمار، ظاهر خوبی ندارند و نگاه کردن به آنها در بیماری و رنجشان دشوار است و می‌توانند مورد تحقیر قرار گیرند، به خصوص در دنیای باستان. سوالی را که شاگردان عیسی در مورد مرد نابینا پرسیدند به خاطر بیاورید. چه کسی گناه کرد؟ او یا والدینش؟ دوستان ایوب

دوستان ایوب، وقتی نزد او می‌آیند، فرض می‌کنند که او گناه بزرگی مرتکب شده است. در واقع، ایفاز فکر می‌کند که همه چیز را فهمیده است. ایوب فقرا را نادیده گرفته است و به همین دلیل است که خدا او را به فقر کشانده است.

چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان. آنها می‌آیند و می‌گویند، ایوب، اگر گناهان بزرگی مرتکب نشده بودی، این چنین رنج نمی‌بردی، زیرا این شیوهی اداره‌ی جهان توسط خداست. او به نیکوکاران پاداش می‌دهد و به بدکاران مجازات می‌کند.

واضح است که داری مجازات می‌شوی. چه کار اشتباهی کردی؟ باید به گناهانت اعتراف کنی. می‌بینی، در چنین محیطی، بیماری بزرگ توسط مردم به عنوان گناه بزرگ تعبیر می‌شود، و بنابراین آنها به او نگاه کردند دیدند که او بیمار است، درد می‌کشد.

اوه پسر، او چه کار کرد؟ و آنها فرض کردند که او به خاطر کاری که انجام داده بود مجازات می‌شود، و این بخشی از شگفتی بزرگ اینجاست، زیرا، البته، اگر آن الهیات را در هر موقعیتی به کار ببرید، اشتباه است دوستان ایوب اشتباه کردند و آنها یک مرد بی‌گناه را به گناهکار بودن متهم کردند، و به همین دلیل است که خدا در نهایت آنها را به شدت سرزنش می‌کند و فقط در صورتی آنها را می‌بخشد که ایوب از طرف آنها شفاعت کند، و خدا مرد خداترسی است که هست، او می‌بخشد، و او این کار را می‌کند. بنابراین آنها به بنده نگاه می‌کنند و با خود فکر می‌کنند، این مرد، این مرد کاری کرده است که واقعاً خدا را عصبانی کرده است، و بنابراین ما نمی‌خواهیم هیچ ارتباطی با او داشته باشیم.

اما بعد، در آیه ۴، آنها صحبت می‌کنند و به نقطه‌ای می‌رسند که حقیقت همه چیز را درک می‌کنند. بنابراین تعیین دقیق زمان وقوع این اتفاق در تاریخ دشوار است، زیرا این شعر نبوی است و به نوعی به آینده نگاه می‌کند و از نظر هرگونه گاهشماری آینده، کمی مبهم است، اما آنچه من اینجا می‌بینم، اسرائیل است حداقل کسانی که قرار است ایمان داشته باشند، و رومیان ۱۱ در مورد آمدن آنها به جایی که ایمان می‌آورند صحبت می‌کند و آنها به سوی خداوند بازمی‌گردند. رومیان ۱۱، تمام اسرائیل ایمان خواهد آورد، یا مانند آنچه زکریا توصیف می‌کند، وقتی متوجه می‌شوند که خدا را نیزه زده‌اند، و قرار است برگردند و از آن توبه کنند، گریه و سوگواری کنند، و بنابراین من آن را به عنوان اسرائیل در نقطه‌ای می‌بینم که متوجه می‌شوند بنده رنج کشیده واقعاً بنده خداوند بوده است، و او به خاطر گناه خودش رنج نمی‌برد، بلکه به خاطر گناهان ما رنج می‌کشید.

و بنابراین من دوست دارم آن را با رومیان ۱۱ مرتبط کنم، می‌دانید. یا هر زمان که یک فرد یهودی، یا هر کسی که شاید عیسی را خیلی جدی نگرفته باشد، و رنج او را نادیده گرفته باشد، متوجه می‌شود، نه، و پیام انجیل همینجاست، که آنها پیام انجیل را درک می‌کنند که او برای گناهان ما رنج می‌کشید. یک کفاره جایگزین در اینجا در حال انجام است.

بنابراین، از آیه ۴ شروع می‌کنیم، آنها به آنچه اکنون می‌دانند درست است و اینکه در گذشته چقدر اشتباه کرده‌اند، اعتراف می‌کنند، اما او بیماری‌های ما را برداشت، درد ما را بر دوش کشید، حتی با اینکه ما فکر می‌کردیم او مجازات می‌شود، مورد حمله خدا قرار می‌گیرد و به خاطر کاری که انجام داده بود، رنج می‌کشد پس، تشخیص را می‌بینید؟ ما فکر می‌کردیم که او فقط به خاطر گناه خودش رنج می‌برد؛ به همین دلیل است که مردم اینگونه بیمار می‌شوند، اما او بیماری‌ها و درد ما را برداشت. و این بسیار جالب است، زیرا

همان افعالی که برای «برافراشتن» استفاده می‌شوند، ما دو فعل متفاوت در زبان عبری داریم که در رابطه با بیماری و درد استفاده می‌شوند.

اگر به آیات ۱۱ و ۱۲ بروید، اشیاء مختلف، او گناهان آنها را بر دوش کشید، او گناهان بسیاری را بلند کرد. بنابراین اگر آیات اخیر را با آیه ۴ مرتبط کنید، متوجه می‌شوید که بیماری و درد نتیجه گناه بوده است. منظوری این است که در نهایت اینطور است، ما بیمار می‌شویم و می‌میریم زیرا گناه کرده‌ایم، اما نه گناه شخصی او.

بنابراین او بیماری‌ها و دردهای آنها را برطرف می‌کرد، این واقعاً به این معنی است که او مجازات گناهان آنها، گناه آنها را بر خود گرفته بود، و بنابراین عواقب گناه را هنگامی که در رنج و عذاب خود و بر روی صلیب بود، متحمل شد. و بنابراین این تشخیص وجود دارد، ما همه چیز را اشتباه می‌دانستیم. چه کسی این را باور می‌کرد؟ این شوک وجود دارد.

و آنها در آیه ۵ ادامه می‌دهند، او به دلیل اعمال عصیانگرانه ما مجروح شد. و او در آنجا از کلمه پِشَه «استفاده می‌کند، کلمه عبری برای گناه، «پِشَه»، که به گناه به عنوان عصیان اشاره دارد. او با» زبان فیزیکی بسیار قوی که تقریباً به واقعیت آن نزدیک است، مجروح شد.

بدن عیسی پاره پاره شده بود. او به خاطر اعمال عصیانگرانه ما زخمی شده بود. ما علیه خدا عصیان کرده بودیم و او خرد شده بود، زبانی تند، خرد شده به خاطر گناهان ما، به خاطر اعمال عصیانگرانه ما، خرد شده به خاطر گناهان ما.

او مجازاتی را تحمل کرد که ما را بهبود بخشید. بنابراین مجازات آرامش ما همان چیزی است که در زبان عبری آمده است. این بدان معناست که مجازات چیزی است که ما آن را حالت مفعولی نتیجه می‌نامیم.

او با این نتیجه مجازات شد که ما خوب شدیم. و کلمه عبری آنجا شالوم است. می‌دانید، ما می‌گوییم شالوم، به کسی سلام می‌کنیم، اما شالوم اغلب به معنای تمامیت است.

کسی که شفا یافته است می‌تواند از آن استفاده کند. و بدین ترتیب او مجازات گناه ما را به جان خرید. او زخمی شد، خرد شد، شالوم او در هم شکست، اما با تحمل مجازات به این شکل، ما شالوم را دریافت کردیم.

ما گناهکار بودیم، اما دوباره احیا شدیم، شفا یافتیم، و به خاطر زخم‌های او، شفا به ما روی آورد. ما شفا یافته‌ایم. بنابراین آنها ماهیت جایگزین این [مسیحیت] را درک می‌کنند.

و سپس در آیه ۶، می‌گویند، همه ما مانند گوسفندان سرگردان بودیم. هر یک از ما در مسیر خود گمراه شده بودیم، اما خداوند گناه همه ما را به او تحمیل کرد. این ترجمه کمی با آنچه گاهی اوقات در درک سنتی از این موضوع می‌خوانید متفاوت است، اما فکر نمی‌کنم تصویر سنگینی باشد که بر او گذاشته می‌شود.

این تصویر حمله‌ای است که شاید توسط یک شکارچی انجام شده باشد. خب، در موردش فکر کنید. همه ما.

و من این را به عنوان پیامبری می‌بینم که از طرف ما، ما صحبت می‌کند. در اینجا پیامبری است که از طرف ملت گناهکار صحبت می‌کند. او با آنها همذات‌پنداری می‌کند و نماینده آنهاست، همانطور که در اشعیا ۶ انجام می‌دهد. من در میان مردم گناهکار زندگی می‌کنم.

لب‌های من ناپاک است. من به آنها آلوده شده‌ام. همه ما در پیشگاه خدا گناهکاریم.

همه ما مثل گوسفندان سرگردان شده بودیم. گوسفندان مستعد این کار هستند. آنها فقط سرگردان می‌شوند، می‌دانید، گوسفندان ولگرد، آنها مثل گوسفندان سرگردان می‌شوند.

و هر یک از ما، او بر هر یک از ما تأکید می‌کند، از یک اصطلاح عبری استفاده می‌کند. مردی، که هر یک از ماست، در مسیر خود گمراه شده بود. ما در مسیری قرار گرفتیم که فکر می‌کردیم مسیر درست برای ماست.

خب، در مورد گوسفندان سرگردان، فکرش را بکنید. گوسفندان سرگردان بسیار بسیار آسیب‌پذیر خواهند بود زیرا تمایل دارند منزوی شوند، و آنها طعمه‌ی بی‌خطری برای هر شکارچی‌ای هستند که آنجا باشد. گرگ، شیر، خرس، هر چه.

بنابراین آنها آسیب‌پذیر هستند. ما راه خودمان را رفتیم.

ما به نوعی از معیارهای اخلاقی خودمان و از این قبیل چیزها پیروی می‌کردیم و از مسیر خارج شده بودیم و آسیب‌پذیر بودیم. اما خداوند کاری کرد که گناه همه ما به او حمله کند. گناه ما، گوی، آماده بود تا ما را نابود کند.

گناه ما ما را در موقعیتی قرار داد که یک شکارچی می‌توانست ما را بکشد، می‌دانید، برای اینکه واقعیت را با استعاره اینجا قاطی کنیم. اما خداوند باعث شد که گناه ما به او حمله کند، که یعنی به جای آن، احساس گناه ما به او حمله کرد. شکارچی به او حمله کرد.

او مداخله کرد و ضربه را به جای ما خورد. فکر می‌کنم این تصویر اینجاست، آن زبان مشترک ما خیلی خیلی مهم است، چون قرار است کمی در مورد اینکه این بنده کیست صحبت کنیم. قرار است به برخی از استدلال‌هایی که برای عیسی نبودن او ارائه می‌شود پردازیم، و برخی می‌گویند، خب، این بازمانده‌ی صالحان است، یا این پیامبر است.

نه، او گفت همه ما. همه ما. و در این مورد، فکر می‌کنم همه یعنی همه.

و همه ما مانند گوسفندان سرگردان و گمراه شده بودیم، و خداوند گناه ما را بر او مسلط کرد. و بنابراین ما توسط شکارچی، یعنی گناه گناه، نابود نشدیم. در آیه 7، با او به سختی رفتار شد و مورد آزار و اذیت قرار گرفت، اما او حتی دهان خود را باز نکرد.

حالا، عیسی در مقابل پیلطس و شورای یهود صحبت‌هایی کرد. او صحبت‌هایی کرد، اما به یاد داشته باشید، پیلطس از اینکه او تلاشی برای دفاع از خود نکرد، شگفت‌زده شد. و پیلطس گفت: «مگر نمی‌دانی؟» که جان تو در دست من است؟ «و عیسی گفت:» خب، هر قدرتی که داری از جانب خداست.

بنابراین عیسی صحبت کرد، اما اینطور نیست، با او به شدت رفتار شده است، و او رنج کشیده است، اما اعتراض نمی‌کند. او تسلیم مجازاتی است که بر او وارد می‌کنند، دردی که بر او وارد می‌کنند. و یک بار دیگر، پیامبر از تصویر گوسفند استفاده می‌کند.

مانند بره‌ای که به کشتارگاه برده می‌شود. مانند گوسفندی، خاموش در برابر پشم‌چینانش. او حتی دهانش را باز نکرد.

بنابراین گوسفند اعتراضی نخواهد کرد، و او هم همینطور بود. او درست مثل بره ای ساکت بود که به کشتارگاه می رفت. و ضمناً، بعضی از مردم دوست دارند عبارت کفار را آنجا ببینند، اما آن کلمه ای که به عنوان ذبح ترجمه می شود، کلمه معمول برای قربانی کردن نیست.

این کلمه متفاوتی است. و بنابراین گوسفندان را می توان به دلایل مختلفی ذبح کرد، و وقتی به نحوه استفاده از این کلمه در عهد عتیق نگاه می کنید، این کلمه می تواند برای ذبح گوسفندان برای غذا یا هر چیز دیگری استفاده شود. بنابراین آنطور که فکر می کنید اشاره مستقیمی به قربانی کردن ندارد.

و این تشابه نشان می دهد که سکوت در برابر پشم چینان، این فداکاری نیست. نکته این است که او درست مثل یک بره یا گوسفند است.

وقتی این کارها را انجام می دهید، آنها اعتراضی نمی کنند، و او هم همینطور بود. اما در عین حال، فکر نمی کنم اشاره به مرگ عیسی به عنوان یک قربانی اشتباه باشد. و فکر می کنم در این مرحله، سخنرانی سوم خود را متوقف می کنیم و در سخنرانی بعدی به آن می پردازیم و سپس خلاصه ای از آن و تأملی در مورد اهمیت این آهنگ خواهیم داشت.

این دکتر رابرت چیشولم و آموزه های او در مورد سرودهای خدمتکارانه اشعیا است. این جلسه ۳، خدمتکار رنج کشیده خداوند، بخش الف است. اشعیا ۴: ۵۰-۶ و ۱۲: ۵۲-۱۲: ۵۳.